

# Investigating the semantic aspects of the word "Hadi" in the Holy Qur'an and criticizing it in the opinions of commentators

(Received: 2024/01/10 Accepted: 2024/06/09)

Mohammad Sobhani Yamchi<sup>1</sup>, Vahid Biazar<sup>2</sup>

## Abstract

Semantic look and semantic analysis of words is one of the ways to get the exact meaning of any text. This special view in the Holy Quran, which has levels of meaning, is of double importance due to the position of Almighty God as the sender of the message and the role of the Quran in ensuring the happiness and sovereignty of mankind. In order to reach the exact position of each word, in addition to lexicography and a detailed examination of the meaning of the words, it is necessary to examine the semantic system that governs it, the position of each word in the whole system and its relationship with other related words. The science of objects and the like is a science that examines the multiple meanings of words in the context of speech. The topic of the meanings of the words of the Quran is actually knowing the different meanings of a word in different places of the Holy Quran based on the meanings. In this article, the key word "guidance" has been explored in the structure of the verses in a descriptive-analytical way, and its similar and accompanying words have been identified and the type of their relationship with each other in the semantic network has been determined, and finally, the semantic field of guidance and its surrounding concepts. It has been explained. The result of examining the commentators' statements indicates that the word "guidance" in different verses of the Quran has various aspects such as; Quran, monotheism, faith, Islamic religion, holy book, prophets, imamate and leadership, the Holy Prophet (PBUH), guidance, sacrifice, repentance and return, guidance and insight. **Key words:** guidance, guidance, semantic field, aspects of guidance, Qur'an interpretations.

1) Associate Professor of Quranic Sciences and Tafsiir of the Holy Quranic Sciences and Education University sobhani@quran.ac.ir

2) Senior Expert in Quranic Sciences, Maragheh Faculty of Quranic Sciences.. v.biazar114@gmail.com

# بررسی وجوه معنایی واژه «هدی» در قرآن کریم و نقد آن در آرای مفسران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰)

محمد سبحانی یامچی<sup>۱</sup>، وحید بی آزار<sup>۲</sup>

## چکیده

نگاه معناشناسانه و تحلیل معنایی واژگان یکی از راههای دست یابی به معانی دقیق هر متنی است. این نگاه خاص در قرآن کریم که از سطوح معنایی برخوردار است، به دلیل جایگاه خداوند عالم به عنوان فرستنده پیام و نقش قرآن در تامین سعادت و سیادت بشر اهمیتی مضاعف دارد. برای رسیدن به جایگاه دقیق هر واژه، علاوه بر لغت شناسی و بررسی دقیق مدلول استعمالی واژه‌ها، بررسی نظام معنایی حاکم بر آن، جایگاه هر یک از واژه‌ها در کل نظام و ارتباط آن با سایر واژگان مرتبط ضروری است. علم وجوه و نظایر، دانشی است که به بررسی دلالت‌های متعدد واژگان در بافت کلام می‌پردازد. موضوع وجوه الفاظ قرآن، در واقع شناخت معانی مختلف یک کلمه در جای جای قرآن کریم بر اساس دلالت‌ها است. در این نوشتار واژه کلیدی «هدی» به روش توصیفی - تحلیلی در ساختار آیات مورد کاوش قرار گرفته و واژگان همسان و همنشین آن شناسایی و نوع ارتباط آن‌ها با یکدیگر در شبکه معنایی مشخص شده و در نهایت حوزه معنایی هدایت و مفاهیم پیرامونی آن تبیین شده است. نتیجه حاصل از بررسی بیانات مفسران، بیانگر آن است که واژه «هدی» در آیات مختلف قرآن دارای وجوه گوناگونی همچون؛ قرآن، توحید، ایمان، دین اسلام، کتاب آسمانی، انبیاء، امامت و رهبری، حضرت رسول اکرم (ص)، ارشاد، قربانی کردن، توبه و بازگشت، راهنمایی و بصیرت است.

**کلید واژه‌ها:** هدی، هدایت، حوزه معنایی، وجوه هدی، تفاسیر قرآن.

۱) دکترای تخصصی، دانشیار گروه علوم قرآن و تفسیر دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم sobhani@quran.ac.ir  
۲) کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی مراغه v.biazar114@gmail.com



## ۱. بیان مسئله

قرآن کریم ریسمان محکم الهی و نور آشکار و درمانگر سودمند و نگهدارنده و نجات دهنده تمسک جوین و چنگ زندگان است. بی شک گام برداشتن در این مسیر و رسیدن به کمال و سعادت دنیوی و اخروی میسر نیست مگر با شناخت دقیق معانی واژگان قرآنی که نقش کلیدی در کشف مراد الهی از مفاد استعمالی دارند. قرآن پژوهان و مفسران برای رسیدن به مراد الهی در کنار توجه به سباق و سیاق، شناخت و بهره گیری از علومی را ضروری میدانند. «علم وجوه» یکی از علوم ارزشمندی است که در شناخت معانی کلمات قرآن به کار گرفته شده و به عنوان یک ضرورت تفسیری به شمار میرود. توجه به «علم وجوه» به این معنا نیست که همه معانی و مصادیق ارائه شده برای واژگان قرآنی در کتب وجوه شناسی صحیح بوده، بلکه باید بافت و سیاق نیز در تفسیر آیات و حیانی ملاک و معیار قرار گیرد. یکی از راههای رسیدن به معانی دقیق و مقصود اصلی گوینده، نگاه معناشناسانه به متن و تحلیل معنایی واژگان قرآن به علت توجه به بافت، سیاق، ترکیبات همسو، همنشینها، مترادفها، متضادها و شمول معنایی است که اندیشه نظاموار قرآن را هویدا ساخته و معنای دقیقی از واژگان ارائه میدهد. در این نوشتار، واژه پر بسامد هدی به عنوان یکی از واژههای کانونی قرآن کریم با ۳۱۶ مرتبه تکرار در آیات کلام وحی مورد بررسی قرار گرفته و معانی آن با توجه به آیات قرآن کریم در نگاه مفسران تبیین میشود. به عنوان پیشینه بحث میتوان به نوشتههای کتابهایی همچون «الاشباه والنظائر فی القرآن کریم» نوشته مقاتل بن سلیمان بلخی، «معتک القرآن فی اعجاز القرآن» اثر جلال الدین سیوطی، «الاشتراک اللفظی فی القرآن الکریم بین النظریه و التطبيق» نوشته محمد نورالدین المنجد، «الوجوه والنظائر» اثر ابو هلال العسکری و «بررسی زبانشناختی وجوه و نظائر در قرآن کریم» نوشته سلوی محمد العوا اشاره کرد. وجه تمایز این نوشتار آن است که سعی شده وجوه واژه هدی در قرآن با توجه به شبکه معنایی بررسی و نظرات مفسران قرآن کریم در خصوص آن تبیین شود. نحوه گردآوری اطلاعات و داده ها به صورت کتابخانهای و روش پژوهش و تبیین مسئله به شیوه توصیفی تحلیلی است.

## ۲. مفهوم شناسی

برخی از مفاهیم کلیدی و اساسی پژوهش به دلیل فقدان تعریف یکسان نزد محققان، یا بررسی آن در علوم مختلف نیازمند توضیح هستند، از این رو در پژوهش حاضر به تبیین مفاهیم کلیدی همچون وجوه و نظائر، بافت و سیاق، حوزه معنایی، همنشینی، جانشینی و... پرداخته میشود.

## ۱-۲. وجوه و نظایر

«وجوه» در کتب لغوی در اصل از ماده وجه (واو جیم هاء) به معنای «مستقبل کل شی» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۶۶/۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۱/۱۱۰) هر چیزی است که با آن روبرو شوند و در بیانی دیگر از ابن فارس: «یَدُّ عَلِي مَقَابَلَةَ لَشِيءٍ» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶/۸۸) بر مقابله و رو به رویی شیء دلالت میکند. در حوزه مطالعات قرآنی وجوه یعنی «اللفظ المُشْتَرَكُ الَّذِي فِي عِدَّة مَعَانٍ» (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱/۱۹۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/۴۴۰؛ بی آزار شیرازی، ۱۳۷۶: ۱/۳۱۳) لفظ مشترکی که در چند معنی به کار می‌رود. در واقع یک واژه در چند جای قرآن به یک لفظ و یک حرکت آمده و در هر موضع، معنایی غیر از موضع دیگر داشته باشد و تفسیر هر کلمه به معنایی غیر از معنایی دیگر باشد.

راغب اصفهانی در این باب گوید: «النَّظِيرُ الْمَثِيلُ كَأَنَّهُ يَنْظُرُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا إِلَى صَاحِبِهِ فَيُبَارِيهِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۴) نظیر به معنای همانند و شبیه که به قدری شبیه هم هستند که به هم مینگرند و همسان هستند. از این رو نظایر معنایی «همانند، همتا، مساوی» را شامل میشود. (بستانی، ۱۳۷۵: ۱/۹۲۱) در اصطلاح نظایر، واژگانی که در همه و یا بیشتر کاربردهای آن به یک معنی هستند را مورد بررسی قرار مدهد. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱/۱۹۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱/۴۴۲) آیت الله معرفت در کتاب علوم القرآن مینویسد: اشباه در الفاظ یا تعابیر مترادفه به کار می‌رود و آن هنگامی است که چند لفظ (کلمه یا جمله) یک معنای تقریبی واحد را افاده کند. (معرفت، ۱۳۸۱: ۳۲۰)

## ۲-۲. بافت و سیاق

سیاق از مصدر فعل (ساق- یسوق) در اصل «سواق» بوده که به دلیل کسر سین حرف واو به یاء تبدیل شده است. (بن اثیر، ۱۳۶۷: ۲/۴۲۴) سیاق به معنای راندن و به حرکت درآوردن و سوق دادن چهارپایان است. (ابن درید، ۱۹۸۸: ۲/۸۵۳، ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۱۱۷) به مهر زنان هم سیاق گفته‌اند (ازهری، ۱۴۲۱: ۹/۱۸۴) چون اعراب در زمان قدیم مهریه زنان را بر روی شتران و چهارپایان قرار میداند و آنها را به خانه پدر عروس میراندند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰/۱۶۶)

بافت از عناصر مهم و کلیدی در فهم قرآن است که در دریافت مقصود گوینده تاثیر گذار بوده و شامل بافت متنی (زبانی) و فرامتنی (موقعیتی) است (صفوی، ۱۳۹۴: ۵۷) چون مفهوم و معنی در دل کلمات نهفته نیست بلکه در اوضاع و احوال اجتماعی، وضع ادای کلمات، ساختمان جمله، اثر کلمات مجاور بر یکدیگر و... قرار دارد. چنانچه یک



کلمه ممکن است با گرفتن حرف اضافه‌های معنای متفاوتی داشته باشد و یا بر اساس وضع اجتماعی و فرهنگی، تحصیلی و خانوادگی، سیاسی و مذهبی جملات و کلماتی که در جمله آمده است مقصود خاصی را دنبال کند. (اختیار، ۱۳۴۸: ۹۱) لذا برای مشخص شدن معنای یک واژه علاوه بر بررسی لفظ و ترکیب آن باید شرایط اوضاع و احوال بیان واژگان نیز مورد توجه قرار گیرد.

### ۲-۳. معنانشناسی

معنانشناسی دانش بررسی و مطالعه در زبانهای انسانی و بررسی ارتباط میان واژه و معنا است. (اختیار، ۱۳۴۸: ۳۸) معنانشناسی را دانش «معنا» نامیده‌اند، یعنی دانشی که معنا را به طور علمی بررسی می‌کند. مراد از آن در این مورد معنانشناسی زبانی است، دانشی که معنا را در تمامی سطوح زبان (واژه‌ها، عبارتها، جملات و متن) به طور عملی بررسی می‌کند. (قائم‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۴)

### ۲-۴. روابط هم‌نشینی و جانیشینی

روابط هم‌نشینی مربوط به ترکیب و نسبت‌های هم‌جوار کلمات است، در واقع واحدهای هم‌نشینی واحدهایی هستند که از طریق انتقال، مفهوم مجاور خود را در بر می‌گیرند و گاه این انتقال تا جایی است که حضور واحد مجاور را حشو می‌سازد. (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۴۵) نکته مورد توجه اینکه به دلیل نزول آیات و حیانی از سوی پروردگار متعال و انتقال معانی از عالم معنا به عالم ماده در قالب الفاظ قرآنی، واژگان مورد بحث در آیات و حیانی هر کدام معنای خاص خود را داشته و نیازی به جایجایی کلمات به عنوان الفاظ مشابه نیست و ضرورتی به جانیشینی الفاظ دیگر وجود ندارد.

### ۲-۵. مفهوم شناسی واژه «هدی» در قرآن کریم

در کتب لغوی ماده «هدی» به معنای دلالت و راهنمایی همراه با لطف و مهربانی و دارای خصوصیات ارشاد مطرح شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷۸/۴) یعنی «هدی» در تضاد با واژه «ضلالت» به معنی راهنمایی کردن در اصل به معنی ارشاد و لطف و محبت می‌باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۲/۶) راغب اصفهانی نیز در بحث و بررسی لغوی ماده «هدی» هدایت را راهنمایی افراد به همراه لطف و مهربانی می‌داند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۳۵)

شواهد بسیاری وجود دارد که واژه «هدی» و ساختارهای صرفی آن در عصر ظهور

اسلام و پیش از آن در معنای راهنمایی و نشان دادن طریق بوده است، زیرا اعراب زندگی صحرانشینی و سفرهای بیابانی داشته و از این رو به هدایت و هدایتگری نیازمند بودند. از طرفی روابط قبیل‌های و اقوام دائماً در حال تغییر بود و آنها همواره باید جانب احتیاط را رعایت میکردند و به سبب نبود امنیت راهها (عدم شناخت کویر و وجود راهزنها در میانه راه) به هادی و راهنما به عنوان یک ضرورت اساسی زندگی نیاز داشتند. نمونه‌هایی زیادی از استعمال واژه «هدی» در اشعار دوره جاهلی وجود دارد که به یک نمونه آن اشاره می‌شود. تابط شر با توجه به اوضاع زندگی اعراب جاهلی چنین سروده (رک: جاحظ، ۱۴۱۹: ۶/ ۴۴۹)

|  |  |
|--|--|
| وَيَسِيقُ وَقَدَ الرِّيحِ مِنْ حَيْثُ يَنْتَجِي  | بِمُنْخَرِقٍ مِنْ شِدَّةِ الْمُتَدَلِّكِ         |
| إِذَا حَاطَ عَيْنُهُ كَرِي الثُّومِ لَمْ يَزَلْ  | لَهُ كَالِيٍّ مِنْ قَلْبِ شَيْخَانِ فَاتَكَ      |
| وَ يَجْعَلُ عَيْنِيَهُ رِبِيَّةً قَلْبُهُ        | إِلَى سَلَّةٍ مِنْ حَدِّ أَخْضَرِ بَاتَكَ        |
| إِذَا هَرَّتْ فِي عَظْمٍ قَرْنٌ تَهَلَّلَتْ      | نَوَاجِدُ أَفْوَاهِ الْمُنَايَا الضَّوَالِكِ     |
| يَرَى الْإِنْسَ وَحِشِيَّ الْفَلَاةِ وَيَهْتَدِي | بِحَيْثُ اهْتَدَتْ أُمُّ النُّجُومِ الشَّوَابِكِ |

غالباً رفیقی جز دو پای تندپوی نداشتند و در خواب هم هراسان بودند؛ با قلبی بیدار و مراقب و مواظب که مبادا دشمنی کمین کرده باشد. پس خواب هم جز اندک و کوتاه نمی‌آمد و چشمانشان به شمشیر دوخته بود؛ در اینجا است که مرگ از لابه لای دندانهای درشتش نیشخند می‌زد. به این گونه همواره در وحشت و تنهایی و دل گرفتگی سر میکردند و این را ترجیح میدادند که همین عادت به تنهایی در صحرا و بیابانها، آنها را آشنا به جاده‌ها و راههای صحرا کرده بود. (امین، ۱۹۶۴: ۱۰/۱) شایان ذکر است با تحلیلی که از اشعار جاهلی صورت می‌گیرد ضمن مشخص شدن معنی ریشهای و اساسی یک واژه، اوضاع و احوال گذشتگان نیز کشف میگردد. در نگاه کلی معنی واژه «هدی» در این اشعار به «راهنمایی و هدایت‌گری» معنی شده، برخی نیز «قصد کردن راه مستقیم» را مطرح کردند. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۶/۱۶) عموماً معنای «راهنمایی در بیابان» با توجه به شرایط و موقعیت جغرافیایی که اعراب با آن رو به رو بودند در اشعار اعراب جاهلی نمود ویژه‌ای داشته است.

برای واژه «هدی» و مشتقات آن در روایات و ادعیه، نیز وجوه و معانی مختلفی بیان گردیده که از جمله آنها میتوان به معنای راه راست و راهنمایی اشاره کرد.





امام علی (علیه السلام) می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقِلَّةِ مَنْ يَسْلُكُهُ إِنَّ النَّاسَ اجْتَمَعُوا عَلَيَّ مَائِدَةً قَلِيلٍ شَبَعُهَا كَثِيرٌ جُوعُهَا وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَإِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسُ» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۲۷) ای مردم! در راه راست از کمی رهروان نترسید مردم بر سر سفره ای جمع شده اند که تعداد افراد سیر آن کم است و گرسنگان آن بسیار! و تنها خدا است که مردم را گرد هم می آورد. یا در روایتی دیگر آمده است: «وَأَقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهُدَى وَاسْتَنْتُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ» (الرضی، ۱۴۱۴: ۱۶۳) به راه پیامبرتان اقتدا کنید که آن برترین راه است و از روش و سنت او پیروی کنید که آن راهنماترین روش و سنت است. در این روایات واژه «هدی» به معنای راه راست مطرح شده است که ضمناً در بردارنده معنای اساسی «راهنمایی» نیز هست.

رسول اکرم (ص) می فرماید: «وَاللَّهِ لَأَنْ تَهْدِي بِهَذَاكَ رَجُلٍ وَاحِدٍ خَيْرٌ لَكَ مِنْ حَمْرِ النَّعْمِ» (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۹۴) به خدا قسم، اگر حتی یک مرد به واسطه راهنمایی تو هدایت شود، برای شما بهتر از اشتران سرخ مو می باشد. در بیان دیگری امام علی (علیه السلام) می فرماید: «قَدْ بَصُرْتُكُمْ إِنْ أَبْصَرْتُمْ وَقَدْ هَدَيْتُمْ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ وَأَسْمِعْتُمْ إِنْ اسْتَمَعْتُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵/۳۰۵) یعنی اگر چشم بینا داشته باشید، حقیقت را نشانتان داده اند. اگر هدایت می طلبید شما را راهنمایی کردند اگر گوش شنوا دارید حق را به گوشتان خواندند.»

معنای «اساسی» یک کلمه چیزی ذاتی و درونی از خود آن کلمه است که در واقع با آن واژه به هر جا که برود انتقال پیدا می کند. از این رو میتوان گفت معنای اساسی «هدی» راهنمایی است چنانکه در آیات قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است.

### ۳. واکاوی دیدگاه مفسران بر اساس رابطه همنشینی

در علم معناشناسی یکی از راههای بیان معنا، همنشین بودن مفهوم کانونی واژه با سایر واژگان است. لذا در این بخش از پژوهش به شناسایی و تحلیل همنشین های واژه «هدی» در آیات قرآن کریم و معانی به دست آمده آن اشاره می شود.

#### ۳-۱. قرآن

یکی از وجوه واژه «هدی» در آیات وحیانی قرآن کریم، خود واژه «قرآن» است. «وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى» (النجم: ۲۳) و از هوای نفس پیروی می کنند در حالی که هدایت از سوی پروردگارشان برایشان آمده است. با توجه به همنشینی واژه «رب» در این آیه مشخص می گردد که اصل هدایت از سوی خداوند سبحان است و هیچ قسمتی از آن به هیچ کس

نسبت داده نمیشود، مگر به طریق مجاز گویی و اذن الهی (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷۴/۱) که هدایتگری انبیاء الهی و کتب آسمانی از این قسم میباشد. هم نشینی واژه «جاء» نیز دلیل دیگری بر آن است. از لحاظ نکته تحلیل همنشینی، هر جا واژه «هدی» به معنای قرآن آمده با فعل «جاء» همراه شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۲) علاوه بر این در این آیه با توجه به ساختار معنایی، سخن از «خدایان جاهلان» به میان آمده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/۵۱۸) بنابراین با توجه به مضمون آیه و ساختار آن موضوع مورد بحث واژه «هدی» معنای «قرآن» را به خود گرفته است با این توضیح که اولاً یکی از صفات قرآن کریم هدایتگری افراد جاهلی است که در جهالت خود لجاجت میورزند (قرشی، ۱۳۷۱: ۵/۲۶۲) ثانیاً بررسی بافت غیرزبانی اشاره به عصر جاهلیت و آداب و رسوم اعراب دارد و نزول قرآن نیز در زمان جاهلیت صورت گرفته است.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه می نویسد: «معنایش این است که این مشرکین در امر خدایان خود به جز باطل متابعتی ندارند تنها پیرو باطل و هواهای شهوی نفس هستند، آری اینها را پیروی می کنند در حالی که از ناحیه خدا که پروردگارشان است هدایتی به سویشان آمد و آن عبارت بود از دعوت حقه پیامبر و یا قرآنی که به سوی حق هدایت می کند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۳۹) صاحب تفسیر نمونه نیز به صورت کلی ذیل آیه مینویسد: در حالی که هدایت از سوی پروردگارشان برای آنها آمده است، اما چشم می بندند و به آن پشت می کنند و در ظلمات این اوهام غوطه ور می شوند. (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲/۵۱۶) به فرمایش علامه طبرسی، برای آنان بیانات ارشادی به وسیله کتاب و فرستاده آمده بود، اینجا خداوند در مورد آنان اظهار تعجب میکند که چرا این مردم دست از پرستش بتها بر نداشته اند. (رک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۲۶۸) آیت الله قرشی برگشت خطاب به غیبت همچین پای بندی به گمان و هوی نفس بجای برهان و تحقیق را حاکی از عدم صلاحیت مخاطب بودن آنها میداند و بیان «و لَقَدْ جَاءَهُمْ...» را مبین اتمام حجت بر آنها دانسته و منظور از هدایت را دین و قرآن میدانند. (رک: قرشی، ۱۳۷۷: ۱۰/۴۰۷)

### ۳-۲. ایمان

یکی دیگر از وجوه واژه «هدی» که در آیات قرآن به آن اشاره شده، معنای «ایمان» است. «وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا» (مریم: ۷۶) (اما) کسانی که در راه هدایت گام نهادند، خداوند بر هدایتشان می افزاید؛ و آثار شایسته ای که (از انسان) باقی می ماند ثوابش در پیشگاه پروردگارت بهتر و عاقبتش





خوبتر است. واژه «هدی» با توجه به همنشینی با واژگان «اهداء»، «باقیات و الصالحات» و «ثواب» در بافت جمله معنای «ایمان» را گرفته است. لذا هیچ واژه‌های نمیتواند در این آیه جایگزین واژه «هدی» شود، زیرا این واژگان مراعات نظیر هستند و تکمیل کنند معنای همدیگر، در واقع آثار شایسته که از انجام اعمال برای انسان میماند نتیجه‌های جز ایمان ندارد. به دیگر سخن ایمان چیزی جز قبول هدایت و گزینش راه راست نیست و کفر هم چیزی غیر از رویگردانی از هدایت و گمراه شدن از راه راست نیست. آنچه از تحلیل همنشینی «باقیات و صالحات» با واژه «هدی» به دست می‌آید، مقصود اعمال صالحی است که نزد خدا محفوظ است و باعث شکر و اجر عظیم خدای تعالی می‌شود و خداوند در چند جا از قرآن کریم بدان وعده داده است. کلمه «ثواب» نیز به معنای پاداش عمل است. (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴/۱۰۲) این هدایت یافتگان نیز در پرتو ایمان و اعمال صالحشان می‌توانند هر روز به مراحل بالاتری گام نهند و پاداش دریافت کنند.

برخی از مفسران معنای واژه «هدی» را در این آیه «راه راست» گرفته و آیه را چنین معنی کرده‌اند: خداوند، راست راهان را رهنمائی می‌افزاید و کارهای نیک و سخنان پابنده را نزد خداوند پاداش بهتر و بهترین بازگشت است. (رک: میبدی، ۱۳۵۲: ۲/۳۴) برخی دیگر «هدی» را به معنای «قبول ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام)» معنی کرده‌اند: «وَيَزِيْدُ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اَهْتَدَوْاْ هُدًى» یعنی خداوند از نظر رحمت خود هدایت کسانی را که قبول ولایت ائمه نموده‌اند و پیروی از ایشان میکنند فزونی می‌بخشد. (رک: بروجردی، ۱۳۶۶: ۴/۲۶۹)

بدیهی است هدایت درجاتی دارد هنگامی که درجات نخستین آن به وسیله انسان پیموده شود خداوند دست او را می‌گیرد و به درجات عالیتر می‌برد، همچون درخت باروری که هر روز مرحله تازه‌ای از رشد و تکامل را می‌پیماید، این هدایت یافتگان نیز در پرتو ایمان و اعمال صالحشان هر روز به مراحل بالاتری گام می‌نهند (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳/۱۲۵) که در ابتدای راه شامل یافتن راه راست و در مراحل پایانی می‌تواند پذیرش ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) اطلاق گردد. حضرت امام صادق (ع) میفرماید: مراد زیادتی هدایت مؤمنان، تابعیت از حضرت قائم (ع) میباشد که در وقت خروج آن حضرت بعد اعتقاد به آن سرور و منکر و جاحد نبودن به آن حضرت است؛ یعنی هدایت اول، اعتقاد به آن حضرت و زیادتی هدایت، پیروی آن سرور میباشد. (حسینی، ۱۳۶۳: ۸/۲۱۸) نتیجه اینکه یکی از وجوه واژه «هدی» در قرآن کریم هدایتی است که در پرتو ایمان و اعمال صالح به وجود می‌آید که نمود چنین معنایی را میتوان در آیات قرآن (نظیر سوره سبأ آیه ۳۲، زخرف آیه ۴۰، کهف آیه ۱۳ و محمد آیه ۷) مشاهده کرد.

### ۳-۳. دین اسلام

از وجوه دیگر واژه «هدی» در قرآن، دین اسلام است. «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ... وَلَا تَصِيبُ» (بقره: ۱۲۰) هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی... هیچ سرپرست و یاوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.

براساس بافت غیرزبانی آیه، یهود و نصارا از حضرت نبی اکرم (صلی الله علیه و اله) تقاضا کردند که با آنان مدارا کند و نیز اظهار داشتند که اگر با آنان از روی مدارا و مسامحه رفتار کند، از او پیروی خواهند کرد. از این رو، خدا او را از آنان و همراهی ایشان ناامید میسازد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۳۷۳) در واقع خداوند در این آیه گمراهی و ضلالت یهودیان و مسیحیان را به تصویر میکشد، گویی آنها نمی دانند که هدایت واقعی همان دین اسلام است. با توجه به همنشینی «حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» با واژه «هدی» نتیجه حاصله آن است که بحث مربوط به پیروی از دین خاصی است. (رک: معمر بن مثنی، ۱۳۸۱: ۱/۵۳) در مفردات واژه ملت به معنای دین آمده است: «ملت مانند دین است و آن نام شریعتی است که خدا بر زبان انبیاء برای مردم فرستاده است. فرق دین با ملت آن است که ملت فقط بر پیامبر نسبت داده میشود نه به آحاد امت و گفته نمیشود ملت خدا، امت زید؛ ولی گویند دین خدا و دین زید». (قرشی، ۱۳۷۱: ۶/۲۸۹) بنابراین نتیجه اینکه اختلاف آنان با پیامبر اکرم (ص) بر سر پذیرفتن دین اسلام بوده است. لذا در اینجا نسبت به مقتضای زمان و موضوع مورد بحث پیامبر با ادیان دیگر، واژه «هدی» به معنی دین اسلام است. از جمله آیاتی که در قرآن به معنای دین اسلام آمده میتوان به این آیات اشاره کرد: آل عمران آیه ۷۳، بقره آیه ۱۲۰، اسراء آیه ۱۷، کهف آیه ۱۳، ۵۵، حج آیه ۶۷

طبرسی در یک جمع بندی از اقوال مختلف ذیل آیه مینویسد: «بگوای محمّد: دین خدا که موجب خشنودی او است همان دین تو است. برخی نیز در مورد این آیه میگویند: هدایت خدا یعنی قرآن تنها چیزی است که مردم را به سوی بهشت راهنمایی می کند نه روش یهود و نصاری، و پاره‌ای بر این عقیده هستند که منظور از جمله این است: که راهنمایی خدا تنها راهنمایی است و هدایت او تنها حق است». (رک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۳۷۳) با این اقوالی که مطرح شد تفاوت آراء مفسران کاملاً مشهود است. عده‌ای از مفسران نیز بدون اشاره به وجه خاصی از واژه «هدی» چنین نگاشته‌اند: «آن گه گفت: قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ- یعنی



که اگر ایشان کیش خویش ستایند و شما را بآن خوانند یا در دین شما طعن زنند و شما را از آن باز خوانند که تورسولی بگوی- ان هدی الله هو الهدی- راه راست آنست که الله نماید، و راهنمونی راهنمونی ویست.» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۳۳۹/۱)

### ۳-۴. انبیاء الهی و کتاب آسمانی

یکی از وجوه مورد بحث واژه «هدی»، در کریمه ۳۸ سوره بقره آمده که به معنای انبیای الاهی و کتب آسمانی است. «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَاِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۳۸) گفتیم: همگی از آن، فرود آید! هر گاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنها است، و نه غمگین شوند.

از جمله همنشین های واژه «هدی» واژه «اهبطوا» است که اشاره به یک بافت غیر زبانی دارد که مردمان عصر نزول آن را میفهمیدند و آن هبوط حضرت آدم (علیه السلام) به زمین بود که پیرو درخواستش از محضر باری تعالی به برکت ائمه اطهار (علیهم السلام) مورد عفو و گذشت خداوند قرار گرفت. (کاشانی، ۱۳۷۳: ۱۶۵/۱) همنشین بعدی واژه «هدی» در این آیه واژه «تبع» به معنای پیروی است. با توجه به همنشین های واژه هدی، آیه می گوید: هر کس از آنچه از طرف خداوند فرو فرستاده شده از کتابهای آسمانی و پیامبران پیروی کند اسباب نجات دنیوی و اخروی برایش فراهم میشود چرا که اهداء و هدایت یافتن در اثر پیروی و قبول آن است.

علاوه بر این نکته قابل توجه اینکه شرط و جواب شرط آن در فراز دوم «فمن تبع هدای فلا خوف...» در واقع جواب شرط اول است. این درحالی است که حرف شرط «ان» از جمله ادوات شرطی است که در آن احتمال وقوع وجود دارد. ولی خداوند واژه «هدی» را با قاطعیت تمام بیان میکند مبنی بر اینکه هرکس از آنچه به سویش می آید پیروی کند قطعاً هدایت شده است چراکه خداوند هیچ گاه خلف وعده نمی کند «فلا تحسبن الله مخلف وعده» و تکرار لفظ «هدی» به دلیل این است که واژه «هدای» اعم از «هدی» که منظور فرستادن پیامبران و کتاب های آسمانی است. (رک: میبیدی، ۱۳۷۱: ۱۵۷/۱؛ ابن جزری، ۱۴۱۶: ۸۰/۱) برخی از مفسران چنین گفتند: هدایت الهی که همان شریعت و تکلیف است به او و فرزندان او خواهد آمد و آنها با آزادی و اختیاری که دارند می توانند آن تکلیف را بپذیرند و می توانند از زیر آن شانه خالی کنند. (جعفری، ۱۳۷۶: ۱۳۴/۱) طبرسی نیز در بیان معنای «فَاِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى...» گوید: منظور از هدایت بیان و دلالت است و

بعضی گفته‌اند منظور، انبیاء و پیامبران میباشد و بنابر این عقیده این خطاب متوجه آدم و حوا و ذریه ایشان است. (رک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۴/۱) کاشانی هم این آیه را دلالت بیانی و به معنای پیامبران و کتابهای آسمانی گرفته است. (رک: کاشانی، ۱۳۷۳: ۴۰/۱)

### ۳-۵. راهنمایی و ارشاد

از جمله وجوه «هدی»، ارشاد و راهنمایی از روی لطف است که در سوره قصص به آن اشاره شده است. «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ» (القصص: ۲۲) و هنگامی که متوجه جانب مدین شد گفت: امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند.

همنشین‌های مورد بحث در آیه مذکور واژگان «مدین»، «عسی» و «سواء السبیل» است. اولین معنایی که از واژه «هدی» به ذهن رهسپار می‌شود «راهنمایی کردن» است. در این آیه از کلام وحیانی، همنشینی واژه «مدین» با واژه کانونی اشاره مستقیمی به ماجرای حضرت موسی (علیه السلام) دارد که در این داستان بیرون شدنش از مصر به طرف مدین را آوردند که بعد از کشتن قبطی از ترس فرعون رهسپار آنجا شده است. (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴/۱۶) حضرت موسی (علیه السلام) هنگامی که متوجه فاصله هشت روز راه مدین تا مصر شد از آنجایی که راه را نمی‌شناخت گفت خداوند مرا به راه صحیح هدایت کن تا از سرگردانی و گم گشتن در بیابان‌ها در امان باشم. عکرمه گوید: چهار راه در برابر حضرت موسی (علیه السلام) بود و نمیدانست که از کدامیک برود. از این رو خود را به خدا سپرد تا راهی که او را به مقصد نجات برساند در پیش پایش قرار دهد. خداوند هم دعایش را مستجاب و راهنماییش کرد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۸۶/۷) وجود همنشین واژه‌های از کلمات اضداد «عسی» شک و یقین را متوجه ذهن می‌کند در صورتی که حضرت موسی اطمینان کامل داشته است که خداوند او را به راه راست هدایت می‌نماید. در توضیح همنشینی واژه «سواء السبیل» نیز در این آیه باید گفت واژه سبیل مجاز از راه حق است. (رک: معمر بن مثنی، ۱۳۸۱: ۱۰۱/۲) با توجه به همنشین‌ها واژه «هدی»، معنای آیه همان «ارشاد و راهنمایی» است.

در تفاسیر آمده هنگامی که موسی علیه السلام تصمیم گرفت که از مصر و از آن کشور بیرون رود رو بسوی شهر مدین نهاد و بدان سو رهسپار شد که از قلمرو کشور مصر خارج شود، عرض نمود «بار الها مرا هدایت فرما که راه را بیابم و منحرف نشده که بازگردم و در مقام جستجوی راه مستقیم برآیم، از این بیان استفاده می‌شود که موسی شنیده بود شهر



مدین کدام سو و کدام ناحیه است ولی راه مستقیم آنرا از پروردگار درخواست نمود که بزودی بآن مقصد برسد.» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۲/ ۲۰۹) حسینی همدانی در تفسیر خود معنای آیه را «راه راست و مستقیم» مطرح کرده است، در حالی که بهتر بود با توجه به قاعده همنشینی و تاثیر واژگان بر یکدیگر از «راهنمایی و ارشاد» استفاده می‌کرد.

### ۳-۶. امامت و رهبری

وجه دیگری که برای واژه «هدی» در آیات کلام و حیانی مطرح شده است «امامت و رهبری» است: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء/ ۷۳) و آنان را پیشوایی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) هدایت می‌کردند؛ و انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم؛ تنها ما را عبادت می‌کردند. یکی از همنشینهای واژه «هدی» در این آیه واژه «ائمه» است که مفرد آن «امام» یعنی کسی است که به پیشوایی او در قول و فعل اقتدی می‌شود. (رک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۷) برخی از مفسران مراد از هدایت رساندن به مقصد و آیات را مربوط به امامت ذریه حضرت ابراهیم (علیه السلام) هم دانسته اند و از آنجایی که ضمیر در «جعلناهم» به ابراهیم بر می‌گردد، ظاهر جمله «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» این است که هدایت به امر جاری مجرای مفسر معنای امامت می‌باشد، (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴/ ۳۰۴) برخی مفسران این معنا را برگزیده اند و در مقابل، برخی دیگر «یهدون بأمرنا» را به معنای «یدعون الناس» به معنای خواندن و دعوت کردن مردم به سوی دین گرفته اند. (رک: بغوی، ۱۴۲۰: ۳/ ۲۹۷)

### ۳-۷. تورات

«تورات» از جمله وجوه معنایی واژه «هدی» است که در آیات قرآن کریم بدان اشاره شده است. «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ» (غافر/ ۵۳) و ما به موسی هدایت بخشیدیم، و بنی اسرائیل را وارثان کتاب (تورات) قرار دادیم.

در آیه فوق با توجه به ساختار معنایی جمله و موضوع آیات قبل و بعد از آن می‌توان دریافت که منظور از واژه «هدی» تورات است. یکی از همنشین های محوری در این آیه واژه «الکتاب» به همراهی واژه «موسی» است، «ال» واژه کتاب در آیه «الف لام عهد» است که ذهن را به معنای مورد نظر (تورات) رهسپار می‌کند. از همنشین های واژه «هدی» در این آیه «اتینا» به معنای عطاء کردن، بخشیدن و دادن چیزی است. این آیه نیز براساس

بافت غیر زبانی اشاره مستقیمی به قصه حضرت موسی (علیه السلام) دارد و می فرماید: بخشیدیم به حضرت موسی که به وسیله آن مردم را راهنمایی نماید، که در واقع منظور همان تورات است. (رک: مظهري، ۱۴۱۲: ۸/۲۶۳) قرینه دیگر برای اثبات این موضوع همنشینی واژه های اساسی «اتینا» و «الکتاب» در آیه ۵۳ سوره بقره است که می فرماید: ﴿وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ برخی از مفسران بر این نظر هستند که این آیه خاتمه سرگذشتی است که قبلاً از موسی (علیه السلام) و فرستادن او با معجزات و براهین روشن و مجادله آل فرعون به باطل و احتجاج مؤمن آل فرعون، بیان شده است که مراد از کلمه «الهدی» دینی است که موسی آورد و مراد از ارث دادن کتاب به بنی اسرائیل این است که تورات را در بین آنان باقی گذاشت، تا بدان عمل کنند و به وسیله آن هدایت شوند. (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷/۳۳۸) بعضی از مفسران نیز در نگاهی کلی «هدی» را در این آیه به هر دو معنای هم کتاب آسمانی یعنی تورات، و هم هدایتی که در مسیر انجام رسالتش به او داده شده است گرفته اند. (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰/۱۳۲)

### ۳-۸. قربانی

از وجوه دیگر واژه کانونی «هدی» قربانی کردن است که در آیات قرآن کریم به آن اشاره شده است. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَعَابِمِنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا...﴾ (مائده: ۲) ای کسانی که ایمان آورده اید! (نه مراسم حج و) نشانه های خدا، و نه ماه [های] حرام، و نه قربانی های بی نشان و نه نشاندار، و نه قصد کنندگان خانه محترم [خدا]، در حالی که بیخشی و خشنودی ای از پروردگارشان می جویند.

واژه «تحلوا» که مصدر آن احلال است، به معنای حلال کردن است، و حلال کردن و مباح دانستن ملازم با بی مبالات بودن نسبت به حرمت و مقام و منزلت پروردگاری است که این عمل را بی احترامی به خود دانسته است. این کلمه در هر جا به یکی از معانی بی مبالاتی و یا بی احترامی نسبت به مقام و منزلت است. «احلال شعائر الله» به معنای بی احترامی به آن شعائر و یا ترك آنها است. (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۱۶۲)

از بررسی بافت زبانی آیه و همنشینی کلمات «تحلوا» و «شعائر» فهمیده می شود که موضوع کلی آیه مربوط به «حج» است که بر همین اساس نیز معنای «الهدی» در آیه اختصاص به قربانی کردن دارد. برخی مفهوم «الهدی» را دلالت بر سوق دادن چهار پایان به سوی بیت الحرام می دانند. (رک: ابن جزی، ۱۴۱۶: ۱/۲۱۹) بسیاری از مفسران «هدی»





را با توجه به سیاق و بافت آیه به معنای قربانی گرفته اند. یعنی قربانیانی را که برای حج می آورید، اعم از اینکه بی نشان باشند (هدی) و یا نشاندار (قلاند) حلال نشمارید و بگذارید که به قربانگاه برسند و در آنجا قربانی شوند. (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/ ۲۵۰) از ابن عباس نقل شده که مشرکین، حج می کردند و حیوانات را به قربانگاه سوق می دادند و احترام مشاعر را حفظ می کردند و شتران را نحر می کردند. مسلمانان خواستند بر آنها حمله کنند خداوند آنان را از اینکار منع کرد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/ ۲۳۷)

### ۳-۹. توبه و بازگشت

از دیگر وجوه معنایی واژه «هدی»، توبه کردن که در آیه ۱۵۶ سوره اعراف بیان شده است. ﴿وَ اكْتُتِبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ اِنَّا هُدْنَا اِلَيْكَ قَالَ عَدَابِي اُصِيبُ بِهِ مَنْ اَشَاءَ وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَا كُتِبْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بَايَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف: ۱۵۶) و برای ما، در این دنیا و سرای دیگر، نیکی مقرر فرما؛ چه اینکه ما به سوی تو بازگشت کرده ایم! (خداوند در برابر این تقاضا، به موسی) گفت: مجازاتم را به هر کس بخواهم می رسانم؛ و رحمتم همه چیز را فراگرفته؛ و آن را برای آنها که تقوا پیشه کنند، و زکات را پردازند، و آنها که به آیات ما ایمان می آورند، مقرر خواهم داشت!

زمخشری در تفسیر خود این آیه را به معنای بازگشت و توبه گرفته است. «هدنا إلیک؛ به معنای: تنها إلیک. و هاد إلیه یهود» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/ ۱۶۵). راغب اصفهانی نیز «الیهود» را به معنای بازگشت با آرامی معنی کرده و «تهوید» را که مشتق از آن شده، به نوعی راه رفتن پیوسته و آرام معنی می کند. مانند «إِنَّا هُدْنَا اِلَيْكَ»؛ یعنی توبه کردیم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۴۷). همنشینی واژه «هدنا» با واژگان «الدنیا»، «الآخره»، «حسنه» براساس تحلیل معنایی در طلب خیر و نیکی در دنیا و آخرت به سبب توبه‌های است که در قبال انجام اعمال از آنها سر زده و حضرت موسی درخواست میکند خدا یا حال که ما از روی میل به سوی تو بازگشته ایم خیر دنیا و آخرت را نصیب ما کن. چون واژه «هدنا» از ماده «هود» به معنای بازگشت توأم با نرمی آرامش است، خداوند توبه آنان را به سه شرط تقوی، پرداختن زکات، ایمان آوردن قبول می نماید. (حقی، بیتا: ۳/ ۲۵۱)

تفسیر نمونه در معنای واژه «هدنا» می نویسد: بازگشت توأم با نرمی و آرامش است و به طوری که بعضی از لغویون گفته‌اند، هم بازگشت از خیر به شر را شامل می شود و هم از شر به خیر را ولی در بسیاری از موارد به معنی توبه و بازگشت به اطاعت فرمان خدا آمده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶/ ۳۹۲) برخی از مفسران نیز هدنا را از ریشه «هدی یهدی» گرفته و

آیه را چنین معنا کرده اند: از جمله دعائی که موسی کلیم (علیه السلام) درباره بنی اسرائیل نمود آن است که عرض کرد بار پروردگارا قوم من بنی اسرائیل به سوی تو توجه نموده و به وحدانیت ذات و صفات تو ایمان آورده است و درباره آنان زندگی نیکو و رفاه حال در دو جهان مقرر فرما. (رک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۷/۷۳) طبرسی نیز «إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ» را به معنی بوسیله توبه، به سوی تو بازگشته ایم، می داند. (رک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۷۴۷) در واقع توجه و رجوع کردیم به تو که اطاعت فرمان تو را می‌کنیم و مخالفت نمی‌نمائیم. (طیب، ۱۳۷۸: ۵/۴۷۵)

### ۳-۱۰. رسول اکرم (ص)

از دیگر وجوه واژه «هدی» در آیات قرآن کریم، انبیاء الهی است. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعْنُونَ» (بقره/۱۵۹) کسانی که دلیل‌های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده ایم، بعد از آنکه آن را در کتاب برای مردم بیان نمودیم، پنهان می‌کنند، آنان را خدا از رحمت خود دورشان می‌سازد؛ و لعن کنندگان [نیز]، آنها را لعنت می‌کنند.

از همنشین‌های واژه «هدی» در این آیه واژه «یکتمون» است که اشاره مستقیمی به بافت غیرزبانی و شرایط آن زمان دارد. یعنی علمای یهود و نصاری برای مردم، امر بعثت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و صفت‌هایی که برای ایشان در کتابهایشان ذکر شده بود را کتمان میکردند. (طبری، ۱۴۱۲: ۲/۳۲) نکته قابل توجه این که با دقت در فراز دوم آیه میتوان پیبرد که واژه «هدی» معنایی جز پیامبر را شامل نمیگردد، چرا که اختلاف علمای یهود و بهانه جویی آنها بر سر وجود و اثبات حقانیت حضرت رسول اکرم (ص) بوده است. مراد از همنشین «الْبَيِّنَات» دلائل نبوت پیامبر اسلام (ص) و احکام حلال و حرام و حدود فرایض و «الْهُدَىٰ» نبوت رسول اکرم است (رک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲/۲۵۹) همنشینی واژه «يلعنهم» نیز شاهد دیگری بر این ادعا است چنانچه اختلاف یهودیان از سر تجاهل بوده و خداوند نیز جزای آنها را مبنی بر لعن کردن به تصویر کشانده است. بنابراین از تحلیل و بررسی تک تک همنشین‌های «هدی» در آیه مذکور روشن می‌شود که معنای آن دلالت بر شخص حضرت رسول اکرم (ص) دارد.

برخی از مفسران ذیل آیه اشاره‌های کلی کرده و نوشته‌اند: لعن و نفرین خدا و تمام لعن کنندگان برای همیشه و به طور دائم متوجه کسانی است که حقایق را کتمان می‌کنند، و این شدیدترین مجازاتی است که ممکن است برای انسانی تعیین گردد. «بینات» و



«هدی» معنی وسیعی دارد که همه وسائل هدایت و دلالت روشن که مایه آگاهی و بیداری و نجات مردم است را در بر می‌گیرد. (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴/۱:۵۴۸) علامه طباطبایی مراد از کلمه «هدی» در این آیه را همان معارف و احکامی میدانند که دین الهی متضمن آن است، معارفی که پیروان دین را به سوی سعادت هدایت می‌کند. و مراد از بینات را آیات و حجت‌هایی میدانند که دلالتشان بین و واضح است و ادله و شواهد بر حقی است که همان هدایت است. (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷/۱:۳۸۸) مجمع البیان مراد از «الهدی» را براهین علوم شرعی و براهین عقلی دانسته و کتمان هر دو را مورد تهدید و نهی قرار داده است. (طبرسی، ۱۳۷۲/۱:۴۴۱) در حالیکه ابوالفتوح رازی «الهدی» را در معنای دقیقش یعنی حضرت رسول اکرم (ص) آورده است. (رک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸/۲:۲۵۹) طبق بررسی های صورت گرفته و بررسی همنشین های واژه «هدی» در آیات مختلف قرآن کریم میتوان معنای «الهام» در سوره طه آیه ۵۰ را به دلیل اشاره به هدایت موجودات، معنای «شناختن»، در سوره نمل آیه ۴۱ به دلیل همنشینی واژه «نگزو» و سیاق آیات که دلالت بر حضرت سلیمان دارد، به معنای «راهنمایی و بصیرت» به دلیل همنشینی واژه «ثمود» که هدایت از نوع هدایت تشریعی و خاص یعنی به وسیله انبیاء نسبت به بشر صورت گرفته است را مد نظر قرار داد.

### نتیجه‌گیری

نگاه معناشناسانه به متن و تحلیل معنایی واژگان، یکی از راههای دست یابی به معانی دقیق و پی بردن به مقصود اصلی گوینده است. این نوع نگاه به طور خاص در قرآن که سخن و کلام خداوند و نشان نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله است و از سطوح معنایی متعددی برخوردار است، به دلیل جایگاه ویژه خداوند و اهمیت پیام و نقش آن در تامین سعادت جاودانه بشر اهمیتی مضاعف دارد. مفسران قرآن کریم ضمن بهره گیری از علوم مورد نیاز تفسیر، در کنار توجه به دو اصل مهم سباق و سیاق در رسیدن به مراد الهی، برای رسیدن به جایگاه دقیق هر واژه علاوه بر لغتشناسی و بررسی دقیق مدلول استعمالی تک تک واژه‌ها، بررسی نظام معنایی حاکم بر قرآن و جایگاه هر یک از واژه‌ها در کل نظام و نیز ارتباط هر واژه با سایر واژگان مرتبط در متن قرآن را ضروری می‌دانند. در این مقاله واژه پر تکرار و کانونی «هدی» در قرآن کریم به روش توصیفی و تحلیلی با عنایت به بافت و سیاق، همچنین همنشینی واژگان مورد بررسی قرار گرفت. در برخی موارد به وجوه بدست آمده از آیات قرآن کریم در بیانات مفسران اشاره شده بود و در برخی موارد نیز

با عنایت به بافت زبانی و تحلیل همنشینی واژگان، برداشت تفسیر نقد شده و به معنای مختار اشاره شد. وجوهی که در این مقاله برای واژه هدی بدست آمد عبارت بودند از: قرآن، توحید، ایمان، دین اسلام، کتاب آسمانی، انبیاء و ائمه اطهار، حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و اله)، ارشاد، قربانی کردن، توبه و بازگشت، راهنمایی و بصیرت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع

- ۱- قرآن کریم؛ ترجمه حسین انصاریان، قم: اسوه.
- ۲- نهج البلاغه (۱۴۱۴ق) شریف الرضی، محمد بن حسین، قم: هجرت.
- ۳- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ه ق) «الغیبة للنعمانی» تهران: صدوق.
- ۴- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷) «النهاية في غريب الحديث و الأثر» قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ۵- ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ه ق) «التسهيل لعلوم التنزيل» بیروت: دارالارقم بن ابی الارقم، اول.
- ۶- ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م) «جمهرة اللغة» بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول.
- ۷- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق) «معجم مقاییس اللغة» قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
- ۸- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق) «لسان العرب» بیروت: دارصادر، چاپ سوم.
- ۹- ابوالفتوح رازی حسین بن علی (۱۴۰۸ه ق) «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن» مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- ۱۰- اختیار، منصور (۱۳۴۸) «معنی شناسی» تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۱۱- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق) «تهذیب اللغة» بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- ۱۲- امین، احمد (۱۹۶۴م) «فجر الاسلام» قاهره: النهضة المصریة.
- ۱۳- بروجردي، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶ه ش) «تفسیر جامع» تهران: صدر، چاپ ششم.
- ۱۴- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵) «فرهنگ ابجدی» تهران: اسلامی.
- ۱۵- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ه ق) «معالم التنزيل فی تفسیر القرآن» بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- ۱۶- بی آزار شیرازی، عبد الکریم (۱۳۷۶) «قرآن ناطق» تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- ۱۷- پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲ش) «نهج الفصاحة» (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص) - تهران چاپ دنیای دانش، چاپ چهارم.
- ۱۸- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۴۱۹ه ق) «الحيوان» بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۱۹- جعفری، یعقوب (۱۳۷۶) «تفسیر کوثر» قم: هجرت، چاپ اول.
- ۲۰- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳ه ش) «تفسیر اثنا عشری» تهران: میقات، چاپ اول.
- ۲۱- حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴ه ق) «انوار درخشان» تهران: کتابفروشی لطفی، چاپ اول.
- ۲۲- حقی، بروسوی اسماعیل (بیتا) «تفسیر روح البیان» بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- ۲۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق) «مفردات ألفاظ القرآن» بیروت: دار القم، چاپ اول.
- ۲۴- زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ه ق) «تاج العروس من جواهر القاموس» بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- ۲۵- زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۳۸۵) «مناهل العرفان فی علوم القرآن» ترجمه محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- ۲۶- زرکشی، محمد بن عبد الله (۱۴۱۰ه ق) «البرهان فی علوم القرآن» بیروت: دار المعرفه، چاپ اول.
- ۲۷- زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶) «مقدمة الأدب» تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۲۸- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱) «الإتقان فی علوم القرآن» بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ دوم.
- ۲۹- صفوی، کوروش (۱۳۷۹) «درآمدی بر معناشناسی» تهران: سوره مهر.
- ۳۰- صفوی، کوروش (۱۳۹۴) «معناشناسی کاربردی» تهران: همشهری، چاپ اول.
- ۳۱- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق) «المیزان فی تفسیر القرآن» بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ۳۲- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲) «معجم البیان فی تفسیر القرآن» تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
- ۳۳- طبری ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ه ق) «جامع البیان فی تفسیر القرآن» بیروت: دار المعرفه، چاپ اول.

- ۳۴- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹) «اطیب البیان فی تفسیر القرآن» تهران: اسلام، چاپ دوم.
- ۳۵- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق) «کتاب العین» قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
- ۳۶- قائمی نیا، علیرضا (۱۳۹۹) «معناشناسی» قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اول.
- ۳۷- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱) «قاموس قرآن» تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ ششم.
- ۳۸- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷) «تفسیر احسن الحدیث» تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ۳۹- کاشانی، فتح الله (بی تا) «منهج الصادقین فی الزام المخالفین» تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول.
- ۴۰- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق) «بحار الأنوار» بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
- ۴۱- مظهری، محمد ثناء الله (۱۴۱۲ ه ق) «التفسیر المظهری» پاکستان: مکتبة رشديه، چاپ اول.
- ۴۲- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱) «علوم قرآنی» قم: موسسه فرهنگي التمهيد، چاپ اول.
- ۴۳- معمر بن مثنی، ابو عبیده (۱۳۸۱ ه ق) «مجاز القرآن» قاهره، مکتبة الخانجي، چاپ اول.
- ۴۴- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴) «تفسیر نمونه» تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم.
- ۴۵- میبدي، احمد بن محمد (۱۳۷۱) «کشف الاسرار و عدة الابرار» تهران: امیر کبیر، پنجم.
- ۴۶- میبدي، احمد بن محمد، حبیب الله آموزگار (۱۳۵۲ ش) «خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید» تهران: اقبال، چاپ دوم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





## References

- 1- The Holy Quran; (Translated by Hossein Ansarian, Qom, Aswa, 1383)
- 2- Nahj al-Balagha; (Sharif al-Radi, Muhammad bin Hossein, Qom, Hijrat, Ch. 1, 1414 AH)
- 3- Ibn Abi Zeinab, Muhammad Ibn Ibrahim, (1397 AH), Al-Ghaiba Lal-Nuḡmani, Tehran, Sadouq, first.
- 4- Ibn Athir, Mubarak bin Muhammad, (1376), The End of Gharib al-Hadith and Athar, Qom, Ismailian Press Institute, IV.
- 5- Ibn Jazi, Muhammad bin Ahmad, (1416 AH), al-Tashel ul-Uloom al-Tanzir, Beirut, Dar al-Arqam bin Abi al-Arqam, first.
- 6- Ibn Darid, Muhammad bin Hasan, (1988 AD), Jamrah al-Laghga, Beirut, Dar al-Alam for millions, first.
- 7- Ibn Faris, Ahmad bin Faris, (1404 AH), Mujam Maqaays al-Laghga, Qom, Maktab al-Alam al-Islami, first.
- 8- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram, (1414 AH), Lasan al-Arab, Beirut, Dar Sader, III.
- 9- Abul Fattuh Razi Hossein bin Ali, (1408 AH), Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinnan in Tafsir al-Qur'an, Mashhad, Aṣṭan Quds Razavi Islamic Research Foundation, first.
- 10- Ehtihad, Mansour, (1348), Semanticism, Tehran, Tehran University Press, first.
- 11- Azhari, Muhammad bin Ahmad, (1421 AH), Tahdeeb al-Legha, Beirut, Dar Ahyaaya al-Trath al-Arabi, first.
- 12- Amin, Ahmed, (1964), Fajr al-Islam, Cairo, Al-Nahda al-Masriya.
- 13- Boroujerdi, Seyyed Mohammad Ibrahim, (1366 AH), Tafsir Jame, Tehran, Sadr, 6 th.
- 14- Boṣṭani, Fawad Afram, (1375), Farhang Abjadi, Tehran, Islamic.
- 15- Baghwi, Hossein bin Masoud, (1420 AH), Ma'alim al-Tanzir in Tafsir al-Qur'an, Beirut, Darahiya al-Tarath al-Arabi, I.
- 16- Bizar Shirazi, Abdul Karim, (1376), The Speaking Quran, Tehran, Farhang Islamic Publishing House, 1.
- 17- Payandeh, Abu al-Qasim, (1382), Nahj al-Fasaha (a collection of short sayings of the Prophet, may God bless him and grant him peace) - Tehran, Dunyai Danesh, 4th.
- 18- Jahiz, Amr bin Bahr, (1419 AH), Al-Hawain, Beirut, Dar Al-Kutub Al-Elamiya.
- 19- Jafari, Yaqub, (1376), Tafsir Kausar, Qom, Hijrat, first.
- 20- Hosseini Shah Abd al-Azimi, Hossein bin Ahmad, (1363 AH), Tafsir Ezna Ashari, Tehran, Miqat, I.
- 21- Hosseini Hamedani, Seyyed Mohammad, (1404 AH), Anwar Derakhshan, Tehran, Lotfi bookstore, first.
- 22- Hagi, Brosavi Ismail, (Bita), Tafsir Ruh al-Bayan, Beirut, Dar al-Fakr, first.
- 23- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad, (1412 AH), Al-Qur'an Words, Beirut, Dar al-Qam, first.
- 24- Zubaydi, Muhammad bin Muhammad, (1414 AH), Taj al-Arus Man Javaher al-Qamoos, Beirut, Dar al-Fakr, first.
- 25- Zarqani, Mohammad Abd al-Azim, (1385), Manahel al-Irfan fi Ulum al-Qur'an,

- translated by Mohsen Armin, Tehran, Institute of Human Sciences and Cultural Studies, first.
- 26- Zarakshi, Muhammad bin Abdullah, (1410AH), al-Burhan fi Ulum al-Qur'an, Beirut, Dar al-Marafa, first.
- 27- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, (1386), Introduction to Literature, Tehran, Institute of Islamic Studies, University of Tehran, first.
- 28- Siyuti, Jalal al-Din, (1421), Proficiency in the Sciences of the Qur'an, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi, II.
- 29- Safavi, Korosh, (1379), an introduction to semantics, Tehran, Surah Mehr.
- 30- Safavi, Kurosh, (2014), Applied Semantics, Tehran, Hamshahri, first.
- 31- Tabatabaei, Mohammad Hossein, (2013), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Al-Alami Publishing House.
- 32- Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1372), Majmam al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Nasser Khosrow, third.
- 33- Tabari Abu Ja'far Muhammad bin Jarir, (1412 AH), Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Dar al-Marafa, first.
- 34- Tayyeb, Abdul Hossein, (1369), Tayyeb Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Islam, II.
- 35- Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1409 AH), Kitab al-Ain, Qom, Hijrat Publication, II.
- 36- Ghaeminiya, Alireza, (2019), Semantics, Qom, Hozwa Research Institute and University, first.
- 37- Qureshi, Ali Akbar, (1371), Qur'an Dictionary, Tehran, Islamic Books, 6th.
- 38- Qurashi, Ali Akbar, (1377), Tafsir Ahsan al-Hadith, Tehran, Dar al-Kutub al-Islami.
- 39- Kashani, Fethullah, (Bita), Manhaj al-Sadiqin fi Zaim al-Makhalfin, Tehran, Islamia bookstore, first.
- 40- Majlesi, Muhammad Baqir, (1403AH), Bihar al-Anwar, Beirut, Dar Ihiya al-Trath al-Arabi, II.
- 41- Mazhari, Muhammad Sanaullah, (1412 AH), Al-Tafsir al-Mahti, Pakistan, Rushdiyeh Library, first.
- 42- Marafet, Mohammad Hadi, (2001), Qur'anic Sciences, Qom, Talmahid Cultural Institute, first.
- 43- Muammar bin Muthni, Abu Ubaidah, (1381AH), Majaz al-Qur'an, Cairo, Al-Khanjji Library, first edition.
- 44- Makarem Shirazi, Nasser, (1374), Tafsir al-Nashon, Tehran, Dar al-Kutub al-Islami, 10th.
- 45- Meybodi, Ahmad bin Mohammad, (1371), Kashef al-Asrar and Kitah al-Abrar (known as Tafsir Khwaja Abdullah Ansari), Tehran, Amir Kabir, 5th.
- 46- Maybadi, Ahmed bin Mohammad, Habibullah Amoozgar, (1352 AH), summary of the literary and mystical interpretation of the Holy Qur'an, Tehran, Iqbal, II.

